

دو فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره نهم، شماره اول (پیاپی ۱۷)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۰۲ صص: ۱۶۸-۱۷۳

نظام سیاسی مطلوب کشورهای اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای

جواد کیانی^۱ و علیرضا زرگر^۲

چکیده

مسئله نظام سیاسی یا حکومت در اسلام یکی از اساسی‌ترین و هیجان‌انگیزترین مسائل امروز جهان اسلام و حتی جهان غیر مسلمان است. اسلام آنگاه که با سیاست و حکومت مطرح شود و در صحنه زندگی و کار و بیکار اجتماعی حضور داشته باشد، برای معتقدینش جالب و شور انگیز و حماسه آفرین و برعکس برای دشمنان بسیار خطرناک و هراس‌انگیز است. تشکیل نظام سیاسی مطلوب در کشورهای اسلامی نیازمند بررسی اندیشه رهبران و اندیشمندان تاثیر گذار در این کشورها می‌باشد، لذا هدف از تحریر این مقاله بررسی نظام سیاسی مطلوب در اندیشه امام خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران است. در این مقاله با استفاده از روش پژوهش توصیفی-تحلیلی به تحلیل نظام سیاسی مطلوب در منظومه فکری امام خامنه‌ای خواهیم پرداخت و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای-اسنادی است. در تبیین و تحلیل متون علمی و دانشگاهی، اسناد، سخنرانی‌ها و بیانات مطرح شده در جلسات مختلف از طرف امام خامنه‌ای با اقتدار مختلف مردم ایران اسلامی نظام سیاسی مطلوب ارائه شده از طرف ایشان برای کشورهای اسلامی دارای شاخص‌هایی است که از سه بعد «حاکم و رهبر»، «مسئولان و کارگزاران» و «مردم» تشکیل شده است که ایشان از این نظام به عنوان نظام ولایی یاد می‌کند.

واژه‌گان کلیدی: نظام سیاسی، منظومه فکری، آیت‌الله خامنه‌ای، نظام ولایی، کشورهای اسلامی

^۱ عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

kiani.javad2014@gmail.com

000-0003-2075-7572

^۲ استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.



CC BY-NC-SA

مقدمه

آنچه مهم و مطرح است این است که هر اندیشه و عمل سیاسی بر مبنای یک الگوی نظری خاص سازمان یافته است و تا زمانی که آن الگو شناخت و تفهیم نشود، نمی توان معنای درست یک اندیشه و رفتار سیاسی را دریافت. اصولاً هر اندیشه ای از یک جهانبینی خاص حرچشمه می گیرد و این جهانبینی شامل نوع نگاه یک فرد به انسان و هستی می شود. زمانی که تعریف دقیق از هستی مشخص شد، آن گاه بر مبنای آن یک نظام اندیشگی خاص شکل می گیرد که می تواند که یک نوع برنامه فکری خاص را ارائه دهد. داشتن یک نظام اندیشگی کامل برای هر فردی دارای اهمیت است. نوع جهانبینی هر انسانی بسیار اهمیت دارد. اما داشتن یکی نظام فکری خاص به خصوص برای عالی تریق شخص یک مملکت و به عبارت بهتر کسی حکومت را براساس یک قانون خاص اداره می کند، اهمیت بیشتری می یابد.

اصولاً رهبران حکومت های مختلف براساس یک برنامه ی فکری خاص، حکومت خود را پایه گذاری می کنند. هر رهبری باید اندیشه و ایدئولوژی خاص خود را داشته باشد. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران نیز بنابر یک جهانبینی توحیدی توسط امام راحل و عظیم الشان، امام خمینی «ره» تشکیل شد که این جهانبینی برگرفته از مکتب اسلام و قرآن و اهل بیت است و ایشان برای اداره حکومت، طرحی کاملاً اسلامی را بنا کردند.

بعد از رحلت امام خمینی، مقام معظم رهبری امام خامنه ای سکانداری انقلاب اسلامی را به عهده گرفتند و نقش ایشان در نظام جمهوری اسلامی ایران دارای جایگاهی بس مهم و تأثیرگذار است. این نقش هم در قانون اساسی و هم در متن واقعیات ایران معاصر ملموس و مشهود است. مقام رهبری برای پی ریزی برنامه حکومتی شان، ادامه راه امام خمینی را انتخاب کردند و شیوه حکومتی ایشان در بنیاد و اساس، همان شیوه حکومتی امام خمینی است البته در بعضی موارد با جابه جایی شرایط و موقعیت های مختلف تغییر کرده است. مقام رهبری همچون امام خمینی دارای اندیشه هایی بسیار پربار و غنی در تمامی حوزه ها علی الخصوص سیاست هستند. ایشان دارای تألیفات و ترجمه های متعددی می باشند و همین نشان دهنده غنی بودن اندیشه های ایشان است. ایشان همچنین در بیانات مختلفی که از ابتدای دوران رهبری خویش و تا همین امروز نیز

در زمینه‌های مختلف ایراد کرده اند، به نکات و مباحثی بسیار ارزشمند اشاره کرده اند. درک کامل اندیشه‌های ایشان و همچنین به تصویر کشیدن همه این اندیشه‌ها کاری بسیار دشوار است. اما نگارنده در این مقاله به دنبال بررسی بخشی از اندیشه‌های سیاسی ایشان در حوزه نظام سیاسی مطلوب در کشورهای اسلامی است که تلاش شده است در حد توان به موضوع مورد نظر پرداخته شود البته نویسنده با این علم که اندیشه امام خامنه‌ای به حدی گسترده است که نمی‌توان با یک مقاله آن را تحلیل کرد ولی تلاشی شده است در راستای ضرب المثل «آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید». از طرفی اندیشه‌های مقام معظم رهبری، دارای ابعاد فراملی نیز می‌باشد و در جهان اسلام و در جهان تشیع، این اندیشه‌ها دارای شعاع تأثیرگذاری است و این خود نشان دهنده عمق اندیشه‌های ایشان و همچنین اهمیت شناخت این اندیشه‌هاست تا در پرتو این شناخت، معنای اندیشه و رفتار سیاسی ایشان را در برهه‌های مختلف زمانی و در برخورد با موضوعات مختلف به خوبی دریابیم. چرا که بعضاً در جامعه مشاهده می‌شود که در برخورد با بعضی از موضوعات، افرادی دلیل یک رفتار خاص رهبر را درک نمی‌کنند و این عدم درک صحیح، ناشی از عدم شناخت مبانی الگوهای نظری ایشان است. به طور کلی شناخت اندیشه و مبانی فکری - اعتقادی رهبر یک حکومت به خصوص توسط اتباع آن حکومت امری بسیار مهم و ضروری است. چرا که تا زمانی که اصول فکری رهبر جامعه به درستی درک نشود، نمی‌توان سیاست‌های خاص اتخاذ شده توسط حکومت را هم درک کرد و این قضیه در بلند مدت مشکلات عدیده‌ای را برای حکومت به وجود خواهد آورد. نظر به این که رهبر معظم انقلاب به طور مدون اندیشه‌های سیاسی خویش را مکتوب نکرده اند، با فرض وجود نظم فکری، مسئله این نوشتار، فهم و توضیح و تبیین و تفسیر این نظم مفروض است. در خصوص اهمیت و ضرورت پرداختن به این موضوع باید گفت که زمانی که اندیشه‌های یک رهبر در جامعه خوب فهمیده شود، آن گاه مردم تحت حکومتش اولاً به یک فهم دقیق و درست از اهداف و برنامه‌های اصلی حکومت می‌رسند و ثانیاً از مبنای تصمیم‌گیری‌های رهبر جامعه به خوبی آگاه می‌شوند و این آگاهی خود منبعی برای مشروعیت حاکم نیز تلقی می‌شود. بنابراین بسیار اهمیت دارد که مردم فهم دقیق و درستی از اندیشه‌های رهبر جامعه داشته باشند.

مقام معظم رهبری امام خامنه ای دارای یک نظام فکری عمیق و پربار می باشند که در اصل از سرچشمه معارف اسلام و قرآن نشأت می گیرد. ایشان جزء معدود رهبران دنیاست که حکومت را براساس یک فلسفه ی عمیق فکری اداره می کنند. علت انتخاب موضوع نیز به این دلیل است که شناخت نظام اندیشگی ایشان که رهبر جهان احلام محسوب می شوند، بسیار ضروری می نماید و بسیار مهم است که اندیشه های ایشان در ابتدا به صورت دقیق بازگو و در مرحله بعد درست فهم شود.

سوالی که نویسنده در این نوشتار در پی پاسخ به آن است به این صورت می باشد که؛ نظام سیاسی مطلوب در منظومه فکری امام خامنه ای کدام است و چه ابعاد و مولفه هایی دارد؟

لذا فرضیه ای که نویسنده برای پاسخ گویی به این سوال در نظر گرفته بدین شکل است که با تحلیل و تبیین آثار (سخنرانی، بیانات ارزشمند در جلسات مختلف علمی با اندیشندان و نظریه پردازان، متون دانشگاهی؛ اسناد تنظیم شده از طرف سازمانهای مرتبط با اندیشه های ایشان) امام خامنه ای، نظام سیاسی مطلوب در منظومه فکری ایشان، نظام ولایی است که دارای شاخص هایی مثل «حاکم و رهبر»، «مسئولان و کارگزاران» و «مردم» می باشد که در متن این مقاله بیشتر به این موضوعات پرداخته خواهد شد.

پیشینه

جاویدی و بهروزی لک (۱۳۹۵) در مقاله تحت عنوان «شاخص های نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام خمینی «ره» و آیت الله خامنه ای» به موضوع فوق پراخته اند که نتایج به دست آمده نشان داده است شاخص های لازم برای حاکم و رهبر عبارت است از: فقاقت، تقوا، عدالت، درایت و مدیریت. رهبران انقلاب اسلامی شاخص های لازم برای مسئولان و کارگزاران را: داشتن تقوا، ایمان و تزکیه ی نفس، صبر و استقامت، خودباوری و اعتماد به نفس، خدمت گزار واقعی مردم بودن، ساده زیستی، انتقادپذیری، مبارزه با فساد، پاسخ گو بودن، حفظ وحدت، فقرزدایی و رعایت عدالت اجتماعی می دانند و برای مردم دارا بودن شاخص هایی هم چون: آگاهی و بصیرت، مشارکت و حضور در صحنه ها و انتخابات، نظارت و همگانی و اتحاد را برمی شمردند.

حجازی فر و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان « بررسی مطالعات حاکمیت اسلامی در ایران با استفاده از روش فراترکیب» به موضوع فوق پرداخته که در این زمینه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که عدالت، فقر زدایی و رفاه گرایی در حاکمیت اسلامی اهمیت بالایی دارد در صورتی که در حاکمیت غربی پاسخگویی و دخالت (مشارکت) از اهمیت بالایی برخوردار است. همین امر نشان می‌دهد که الگوی حاکمیت اسلامی تفاوت اساسی با حاکمیت غربی دارد.

احیا حسینی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «ویژگی‌های حکومت اسلامی و مسئولان آن در کلام امام خمینی (ره)» به موضوع فوق پرداخته که یافته‌های به دست آمده نشان داده است؛ از نظرگاه امام خمینی (ره) مهمترین خصوصیتی که می‌توان برای یک مسئول و کارگزار از دید امام خمینی (ره) برشمرد، شامل: تقوی و تزکیه نفس، ساده زیستی، توکل به خدا و اعتماد به نفس، تعهد به موازین و معیارهای اسلامی، استقامت و بردباری در مشکلات، اشاعه معنویت و اقامه عدالت، مردمی بودن، عمل گرایی و پرهیز از شعارگرایی، انتقادپذیری و زائل کردن خوی خودخواهی، پرهیز از قدرت طلبی است.

علویان و زارع پور (۱۳۹۶) در پژوهشی تحت عنوان « شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی» به موضوع فوق پرداخته‌اند که یافته‌های این پژوهش حکایت از آن دارد که با توجه و مذاقه کامل در اندیشه سیاسی اندیشمندان و بزرگان اسلامی، ارائه یک قرائت اسلامی از نظریه حکمرانی خوب، نه تنها امری ناممکن نیست، بلکه میسر و مطلوب است و از آنجاکه از سوی نظریه پردازان این پارادایم بر ارائه یک الگوی بومی هم تأکید می‌شود، امری است که در خود پارادایم بر آن صحنه گذاشته شده است. شاخص‌های بررسی شده حکمرانی خوب در اندیشه جوادی نیز واجد چنین ویژگی‌هایی است. ترقی مفهوم مشارکت به مشارکت بر مبنای عقل و آموزه‌های دین، مفهوم آزادی به آزادی عقلانی در همه ابعاد و تأکید بر کسب و کار به عنوان زمینه‌سازی برای تعالی انسانی و نه صرفاً برای انباشت سرمایه نمونه‌هایی از سیر تکاملی مفاهیم در این نظریه است.

ضمیری (۱۳۸۷) در مقاله‌ای تحت عنوان « حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)» به موضوع فوق پرداخته که یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد؛ اندیشه‌های سیاسی امام خمینی (ره)

به مقولات و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب در عمل توجه دارند و مطابق با ضوابط و آموزه‌های اسلامی در امر حکومت الگوی حکمرانی مطلوب را ارائه می‌دهند و با نگرشی ژرف، تحقق کرامات انسانی را بر پایه تعالیم و حیانی در چارچوب اندیشه خویش مورد مذاقه قرار می‌دهند و با در نظر گرفتن یک الگوی سیاسی حکمرانی مطلوب به تعقیب برنامه‌های سیاسی - اقتصادی و اجتماعی دست می‌زنند. تکیه‌گاه اصلی حکمرانی در نظریه امام (ره) بر رابطه حکومت و مردم قرار دارد و این اصل در سیره امام (ره) کاملاً آشکار و روشن است.

چارچوب نظری

براساس روش تحلیل سیستمی، هر نظام سیاسی از دو بخش تشکیل می‌شود؛ بخش اول، ساختار نظام سیاسی و بخش دوم، کارویژه‌های نظام سیاسی. در بحث ساختار نظام سیاسی مباحث ذیل مطرح می‌شود: دلایل ضرورت تأسیس نظام سیاسی اسلام؛ مرزهای نظام سیاسی اسلامی؛ عناصر نظام سیاسی اسلامی؛ شبکه‌ی قدرت. در بحث کارویژه‌های نظام سیاسی مباحث ذیل مطرح می‌شود: مرکز تصمیم‌گیری در نظام سیاسی اسلامی؛ حدود قلمرو و اختیارات دولت اسلامی؛ جریان قدرت در نظام سیاسی اسلامی؛ بازخورد (لک زائی، ۱۳۸۹: ۷۹)

در بررسی اندیشه‌ی سیاسی امام خامنه‌ای به بخش کارویژه‌های نظام سیاسی روش تحلیل سیستمی، توجه و بالتبع استفاده شده است؛ لذا برخی از مفاهیم این بخش به ایجاز تعریف می‌گردد:

۱. مرکز تصمیم‌گیری در نظام سیاسی اسلامی: بحث مشروعیت و مقبولیت، انتخاب یا انتصاب و جایگاه و نقش مردم در حکومت اسلامی در این جا مطرح می‌شود.
۲. حدود قلمرو و اختیارات دولت اسلامی: بحث حریم خصوصی و عمومی مصلحت نظام، احکام حکومتی و مفهوم ولایت مطلقه فقیه در این قسمت مطرح می‌شود.
۳. جریان قدرت در نظام سیاسی اسلامی: مباحثی از قبیل رابطه‌ی متقابل مردم و حاکمان، احزاب، مطبوعات و رسانه‌ها، جایگاه پارلمان و انتخابات در ذیل این عنوان مطرح می‌شود.

۴. بازخورد: مباحثی از قبیل حق نظارت مردم بر حکومت، امر به معروف و نهی از منکر حاکمان توسط مردم، پاسخ گوبودن حکومت، حق اعتراض، انتقاد، راهپیمایی و قیام و انقلاب در اینجا مطرح می‌شود (لک زائی، ۱۳۸۹: ۸۰).

روش شناسی

در این مقاله با استفاده از روش پژوهش توصیفی - تحلیلی به تحلیل نظام سیاسی مطلوب در منظومه فکری امام خامنه‌ای خواهیم پرداخت و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای - اسنادی است.

تجزیه و تحلیل و یافته ها

نظام ولایی از دیدگاه امام خامنه‌ای

نظام سیاسی در دستگاه فکری حضرت آیت الله خامنه‌ای در سطوح مختلفی طرح شده است و از همه آنها با عنوان «ولایت» یاد شده است. همانطوری که پیامبر اکرم (ص) در ماجرای تاریخی غدیر، حکومت را با تعبیر ولایت بیان کرد. در نصوص اسلامی هم بیشتر از همه بر روی کلمه ولایت تکیه شده است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۰: ۳۷) در کالبد شکافی معنای ولایت برای آن دو مفهوم ذکر می‌کنند یکی مفهوم عام که معنای پیوستگی و هم جوشیدگی، ارتباط وثیق دو چیز یا دو کس است وقتی دو چیز چنان به هم پیچیده شده باشند که نتوانیم از هم جدا ایشان بکنیم می‌گوییم این دو ولایت دارند. من و شما ولایت داریم یعنی به همدیگر پیوسته ایم. اما معنای خاص ولایت عبارت است از پیوستگی مردم یک جامعه با رهبر و امام خود و این پیوستگی بیشتر در زمینه‌های اجرایی است (سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در عید غدیر ۱۳۶۹) مفهوم خاص ولایت در جامعه ولایی، دارای ساختار منسجم و در هم تنیده است که بر اساس مبانی اعتقاد توحیدی با جاذبه‌های درونی قوام یافته است و شرک گریزی و کفر ستیزی از ویژگی‌های بارز آن است. ولایت یعنی پیوند و ارتباط تنگاتنگ و مستحکم و غیرقابل انفصال و انفکاک جامعه اسلامی، یعنی همه اجزای آن به یکدیگر و به آن محور و مرکز این جامعه یعنی ولی متصل است. لازمه همین ارتباط و اتصال است که جامعه اسلامی، در درون خود یکی است و متحد و متلف و متصل به

هم است و در بیرون نیز اجزای مساعد با خود را جذب می‌کند و اجزایی را که با آن دشمن باشند به شدت دفع می‌کند و با آن معارضه می‌نمایند یعنی «اشداء علی الکفار رحماء بینهم». (سوره فتح آیه ۲۲) لازمه ولایت و توحید جامعه اسلامی است. این مبنای توحید و اعتقاد به وحدانیت حضرت حق (جل و علی) در تمام شئون فردی و اجتماعی جامعه اسلامی تأثیر می‌گذارد و جامعه را به صورت یک جامعه هماهنگ و مرتبط به یکدیگر و متصل و برخوردار از وحدت می‌سازد. حاکم اسلامی با مردم ارتباط فکری، عقیدتی، عاطفی، انسانی و محبت آمیز دارد و مردم به او علاقمند و رابطه مردم و ولی امر مسلمین همانند ریسمان محکم و به هم تابیده است که جدا کردن آن به آسانی امکان‌پذیر نیست. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۶۰: ۳۷) از منظر ایشان، اساسی‌ترین مسئله دین، مسئله ولایت است چون ولایت نشانه و سایه توحید است. (سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در ۱۳۷۶) هرگاه در نظام اسلامی کسی مثل پیامبر اکرم (ص) یا امیرالمومنین (ع) در راس نظام قرار بگیرد آن جامعه، جامعه ولایی است و نظام ولایت حاکم است و چهار خصوصیت اساسی؛ قدرت، عدالت، حکمت و رحمت که از ویژگی‌های خداوند است برای والیان به منصف ظهور می‌رسد. اما همه ویژگی‌های نظام ولایی و همین چهار مورد منحصر نمی‌شود؛ بلکه در اندیشه سیاسی ایشان به دو دسته از ویژگی‌ها و شرایط ایجابی و سلبی ولایت بر می‌خوریم که به مواردی از آن اشاره می‌شود: ولایت در اسلام ناشی از ارزش هاست. ارزش‌هایی که وجود آنها هم آن سمت و هم مردم را مسئولیت می‌بخشد؛ مثلاً عدالت.... از جمله شرایط ولایت است که این شرط تعمیر شد ولایت یک چیز آسیب‌ناپذیر است. (خسرو پناه و جمعی از پژوهندگان، ۱۳۹۶: ۷۶۱) ولایت یک مفهوم مردمی است و متوجه به جهت حقوق مردم است و رعایت آن‌ها و حفظ جانب انسان‌هاست و بلکه مردمی‌ترین نوع حکومت است. حاکم در حکومت ولایی باید از متن مردم باشد، همانطور که در مورد خود پیامبر صلی الله وجود دارد (بعث من انفسهم) یا (بعث منهم) (قرآن، سوره جمعه، آیه ۲) ضمانت اجرایی این حکومت درونی است. حاکم و والی از نظر قانون با دیگران مساوی هستند. ولایت یعنی حاکمیت انسانهای پارسا، انسان‌های مخالف با شهوات نفس خودشان به انسانهای عامل به صالحات؛ خیر انسانی و مصلحت جامعه اسلامی در آن است. فلسفه سیاسی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، علاوه بر شرایط ایجابی ولایت، شرایط سلبی نیز دارد که بخشی از آن به شرح ذیل است: ولایت به هیچ وجه سلطنت نیست و والی نیز سلطان نیست. هر حکومتی که

ارتباط تنگاتنگ و محبت آمیز با مردم داشته باشد ولایت نیست. رابطه حاکمان و مردم هرگز بر اساس ترس و رعب و خوف نیست منشاء قدرت نمی‌تواند زور و کودتا باشد. خاستگاه قدرت در نظام ولایی بر مبنای وراثت و جانشینی نسبی بنا نمی‌شود. در مفهوم ولایت هیچگونه امر زشتی وجود ندارد. ولایت برای والی و تشکیلات حکومتی طعمه نیست ابزار است در عین وجود اقتدار و عزت و جزم و عزم و قاطعیت هیچ نشانی از استبداد و خودخواهی و خودرایی و زیاده طلبی در نظام ولایی نیست. معنای ولایت مهوریت مردم و قیومیت بر آنها نیست. (خسرو پناه و جمعی از پژوهندگان، ۱۳۹۶: ۷۶۲)

شاخص های نظام ولایی از دیدگاه امام خامنه ای

الف) شاخصهای حاکم در نظام سیاسی مطلوب

از دیدگاه رهبران انقلاب اسلامی، حاکم و زمامدار در یک نظام سیاسی مطلوب باید حداقل سه شاخصه اصلی را داشته باشند که عبارتند از: «فقاہت»، «عدالت و تقوا» و «توان مدیریتی» (داشتن بینش صحیح سیاسی و اجتماعی). با توجه به معیار قراردادن شاخص فقاہت و بر اساس نظریه ی ولایت فقیه امام خمینی «ره»، می‌توان گفت که فقط ولی فقیه می‌تواند حاکم یک نظام سیاسی مطلوب باشد. جایگاه ولایت فقیه، عالیترین مقام نظام سیاسی است که در رأس حکومت و قوای کشور قرار می‌گیرد و زمامدار مسلمانان تلقی می‌شود؛ سیاستهای کلان کشور نیز توسط او تعیین می‌شود. «حکومت اسلامی و ولایت فقیهی که امام «ره» آوردند و ابتکار و مطرح کردند، به همان معنای حکومت اسلامی است؛ یعنی حکومت اسلام، حکومت دین و حکومت شریعت، به همین معنا فهمیده شود» (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۱۱/۰۴) در واقع، ولایت فقیه اساسی ترین اصل و رکن نظام جمهوری اسلامی ایران، ستون فقرات آن و نقطه ی درخشان نظام اسلامی است که به برکت آن، کشور در جهت مادی و معنوی پیشرفت کرده است (بیانات رهبری، ۱۳۷۶/۰۶/۰۵) در ادامه، سه شاخص اصلی حاکم و رهبر، یعنی فقاہت؛ عدالت و تقوا و توان مدیریت به ترتیب توضیح داده می‌شوند.

• فقاہت

اولین و اساسی ترین شرط و شاخص مهم حاکم جامعه ی اسلامی، دانستن قانون الهی و شریعت، یعنی داشتن علم فقاہت و اجتهاد است؛ چراکه زمامدار باید احکام الهی - که قانون جامعه ی اسلامی است - را اجرا کند و بر اساس آن حکومت نماید و نیز حافظ این احکام باشد. در پیامی از ناحیه ی مقدس حضرت ولیعصر(عج)، در عصر غیبت به همه ی مردم اینگونه سفارش شده است که:

«وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقَعَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ أَحَادِيثِنَا؛ در حوادثی که پیش می آید، حتماً به فقهای عادل مراجعه کنید تا او راه خدا و حکم او را برای شما بیان کند (قرائتی، بیتا، ص ۶۴).

در واقع، حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه ی عملی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ از این رو، در رأس حکومت باید شخصی قرار گیرد که بتواند در برخورد با معضلات و مشکلات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره، از جنبه ی عملی و عینی فقه بهره گیرد و برای مشکلات با توجه به شریعت و فقه، راه حل و برنامه ارائه کند. امام خمینی (ره) شاخصه ی فقاہت حاکم را با توجه به دلیل عقلی اینگونه تبیین می کند «اگر زمامدار مطالب قانونی را نداند، لایق حکومت نیست؛ چون اگر تقلید کند، قدرت حکومت شکسته می شود و اگر نکند، نمی تواند حاکم و مجری قانون اسلام باشد» آیت الله خامنه ای نیز در این باره می فرماید: «ولی فقیه باید به قرآن و احکام اسلامی کاملاً مسلط باشد؛ یعنی فقاہت داشته باشد و بتواند اسلام را بفهمد؛ دین را بشناسد؛ احکام الهی را کشف کند؛ با قرآن و سنت مأنوس باشد و توانایی استنباط احکام شرعی را داشته باشد» (جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۵: ۸۶).

در واقع، هدف از تشکیل حکومت، ایجاد شرایط مساعد برای تعالی، سعادت و به کمال رسیدن انسانهاست؛ شرایطی که افراد مؤمن تربیت شوند و بستر توسعه ی اخلاق حسنه و ضیق شدن اخلاق سیئه در جامعه فراهم شود (میرباقری، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۳۷؛ ضمیری، ۱۳۸۸: ۱۲۶-۱۲۵). یکی از شرایط اصلی تحقق این هدف، فقیه بودن حاکم است؛ چرا که وی آشنا و آگاه به

احکام اسلام و شریعت است و می‌تواند هم دین را در جامعه اجرا و عملیاتی کند، تا شرایط تعالی افراد فراهم شود؛ و هم حافظ و نگهبان اجرای درست دین در کشور باشد.

• عدالت و تقوا

اسلام ضمن تأکید بر اهمیت و جایگاه ویژه‌ی عدالت، برخورداری از آن را یکی از شروط اساسی رهبر و زمامدار جامعه‌ی اسلامی قرار داده است. اگر حاکم نظام سیاسی برخوردار از صفت عدالت و تقوا باشد، برای اداره‌ی امور جامعه و مردم، مصالح و منافع آنان را در نظر گرفته و تابع هوی و هوس و امیال شخصی نخواهد بود. اهل بیت(ع) نیز بر عادل بودن حاکم اسلامی تأکید کرده‌اند. پیامبر اکرم(ص) فرموده است:

«لَعَمَلُ الْإِمَامِ الْعَادِلِ فِي رَعِيَّتِهِ يَوْمًا وَاحِدًا أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الْعَابِدِ فِي أَهْلِهِ مائةَ عَامٍ أَوْ خَمْسِينَ؛ عمل یک روز رهبری که میان مردم به عدالت رفتار کند، از عمل صد یا پنجاه سال کسی که در میان اهل و عیال خود مشغول عبادت باشد، بهتر است»

رهبر و حاکم جامعه‌ی اسلامی علاوه بر فقیه بودن، باید مزین به صفت عدالت نیز باشد تا بر مردم ستم و ظلم نکند؛ حقوق آنان را تباه و ضایع نسازد و از بروز فساد جلوگیری کند امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «امر ولایت و سرپرستی امت به فقیه عادل راجع است و اوست که شایسته‌ی رهبری مسلمانان است». البته به نظر ایشان، برپایی و تشکیل حکومت اسلامی برای فقیهان عادل، واجب کفایی است و اگر یکی از آنها توانست حکومت اسلامی تشکیل دهد، فقهای دیگر باید از او پیروی کنند(جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۵: ۸۶)

روشن است که برای اجرای عدالت در کشور و به وجود آمدن جامعه‌ای بر اساس فضیلت و اخلاق و نیز دستیابی به نظام سیاسی مطلوب، ضرورت دارد که در رأس امت، فردی شایسته، باتقوا و عادل قرار گیرد که گفتار و رفتارش برای مردم الگو باشد؛ زیرا مقام و منصب چیزی است که در برابر هوسها و طمع‌ها است و بسیاری از انسانها برای رسیدن به آن از همه چیز خود می‌گذرند(رجالی تهرانی، ۱۳۸۹: ۱۷۵) اگر زمامدار مزین به صفت عدالت و تقوا نباشد، چه بسا برای حفظ مقام خود، حقوق مردم را پایمال کند و حتی ارزشها و مصالح اسلام و مسلمانان را

نادیده انگارد. شاخص عدالت برای حاکم و زمامدار جامعه ی اسلامی آنقدر مهم است که بدون وجود آن، حتی اگر مردم و جامعه، سالم و صالح باشند، باز جامعه و حکومت اسلامی رو به پیشرفت نخواهد رفت؛ اما اگر حاکم و رأس هرم نظام سیاسی مزین به این صفت باشد، به صلاح مردم عمل خواهد کرد و حکومت مطلوب و پیشرفته شکل خواهد گرفت و حتی خطاهای جامعه اصلاح خواهند شد و جامعه ی سالم شکل می گیرد. بنابراین، می توان گفت که ولایت فقیه، بر اساس تفکر و اندیشه اسلام، به معنای «حکومت دین شناسان عادل» است (بیانات رهبری، ۱۳۶۲/۰۴/۲۰).

• توان مدیریت

توان مدیریتی حاکم اسلامی، مفهوم گسترده ای است که شامل موارد گوناگونی، مانند: لیاقت و شایستگی، کاردانی و کارآمدی، کفایت و صلاحیت، داشتن بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، قدرت تشخیص و تدبیر، آگاهی به زمان و مسائل و مشکلات جامعه می شود. یک رهبر علاوه بر فقاقت و عدالت، باید توانایی و تجربه ی مدیریت و قدرت تشخیص مسائل و مشکلات جامعه و بینش سیاسی را نیز داشته باشد تا بتواند مصلحت امت و ملت را به درستی تشخیص دهد؛ به موقع تصمیم بگیرد؛ اقدامات لازم را انجام دهد و از مشکلات بزرگ و کوچک گره گشایی کند (بیانات رهبری، ۱۳۶۲/۰۲/۳۰). اما در صورت نبود این شاخص در وی، آن شخص شایسته ی رهبری و زمامداری نظام سیاسی اسلامی نیست؛ چرا که دیگر وی قادر به تصمیم گیری درست به نفع مسلمانان نخواهد بود. وجود چنین شاخصی به قدری اهمیت دارد که برخی علت اساسی انحطاط و عقب ماندگی مسلمانان و عدم پیشرفت آنان و نبود وحدت و یکپارچگی در بین ایشان را علاوه بر اینکه فقیه عادل، رهبری جامعه و نظام سیاسی را بر عهده نداشته است، آشنا نبودن و عدم توانایی حاکم با اصول مدیریت و نداشتن بینش درست سیاسی و اجتماعی نیز دانسته اند (جاویدی و بهروزی لک، ۱۳۹۵: ۸۷). حاکم جامعه ی اسلامی مانند شخصی است که هر قدر عالترین مصالح و مواد را در اختیار داشته باشد، ولی از بنایی عاجز باشد و توان این کار را نداشته باشد، نمی تواند ساختمانی بسازد. بنابراین، با توجه به اینکه حفظ وحدت کل متغیرهای تکامل جامعه ی اسلامی و سرپرستی تکامل جامعه در سطح کلان، وظیفه ی مهم و اصلی ولی

فقیه و رهبر است؛ از اینرو، او باید حداقل سه شاخص اصلی: یعنی فقاقت، عدالت و توان مدیریتی را داشته باشد تا بتواند نظام سیاسی را به درستی سرپرستی و هدایت کند و نظام سیاسی را در مسیر تعالی قرار داده و به اهداف مطلوب اش برساند.

ب) شاخصهای مسئولان و کارگزاران در نظام سیاسی مطلوب

امام خمینی(ره) ساختار و شکل نظام سیاسی ولایت فقیه ی را جمهوری در نظر گرفتند؛ مسئولان و کارگزاران این ساختار شامل سه قوه ی: مقننه، مجریه و قضائیه می شود. در این ساختار با وجود وحدت کلمه و اخوت ایمانی، ایشان بر استقلال و تفکیک قوا تأکید بسیاری دارند. وظایف هر یک از قوا در قانون اساسی مشخص شده است. وظیفه ی قوه ی مجریه، مدیریت های مهم و اداری همه ی امور اجرایی کشور و هزینه کردن بودجه ی کلان کشور است. قوه ی مقننه، قانونگذاری و نظارت بر عملکرد مسئولان دولتی را بر عهده دارد. وظیفه ی قوه قضائیه نیز عبارت است از تعقیب متخلفان از قانون و احقاق حق؛ تا کسی به کسی ظلم و تعدی و تجاوز نکند. مهمترین کار و وظیفه ی رهبری نظام نیز تعیین سیاستهای کلان کشور است؛ یعنی آن چیزهایی که جهت گیری کشور را مشخص می کند و همه ی قوانین، مقررات و عملکردها باید در این جهت باشند. بنابراین، کار عمده ی اداره ی مدیریت کشور بر عهده ی قوه ی مجریه است و دولتی مطلوب است که کریمه باشد؛ زیرا دولت کریمه برای مردم دنیا پیام و حرف نو دارد و نماد مردم سالاری دینی است (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۸/۰۸).

با توجه به بررسی ها و مطالعات انجام شده بر روی اندیشه ها، بیانات و رهنمودهای امام خامنه‌ای، می توان شاخص هایی که برای مسئولان و کارگزاران در نظر گرفته اند را به دو دسته شاخص های شخصی و اجتماعی تقسیم کرد؛ چرا که ایشان برای یک نظام سیاسی مطلوب، فقط حال اجتماعی افراد نظام را در نظر نداشته اند، بلکه بر این اعتقادند که افراد تا خود به تعالی و پیشرفت اخلاقی و فردی نرسیده باشند، نمی توانند در سطح مدیریت اجتماع و نظام، کارهایی برای پیشرفت و تعالی جامعه انجام دهند. در واقع، مطلوب بودن نظام سیاسی که در گرو اتحاد و استقلال کشور است، توسط کارگزاران خود ساخته ای انجام و تضمین می شود که در سطح بالای اخلاق فردی و اجتماعی قرار گرفته باشند. بنابراین، در ادامه، شاخصهای کارگزاران به دو

بخش شاخصهای فردی و مدیریتی تقسیم شده و برای هر یک معیارهایی به طور خلاصه برشمرده می شود.

• شاخصهای فردی مسئولان و کارگزاران

۱ - ایمان، تقوا، تزکیه و جلب رضای خدا

باتقوا بودن مسئولان و کارگزاران حداقل دو نتیجه را برای کشور، جامعه و مردم به دنبال خواهد داشت. اولاً، با داشتن تقوا می توان به اسلام و ملت خدمت کرد و منافع و مصالح اسلام و مسلمانان را تأمین نمود؛ ثانیاً، با داشتن تقوا می توان از بروز چنددستگی ها و اختلافها جلوگیری کرد و از کشور در برابر توطئه، خیانت و کودتای دشمنان حفاظت نمود تا آسیبی به نظام و مملکت اسلامی وارد نشود. در واقع، به دو دلیل مسئولان باید تقوا داشته باشند: اول آنکه اگر متصدیان امر تقوا نداشته باشند، بی تقوایی آنها بر اسلام ضایعه وارد می کند و وزر و وبالش به گردن آنهاست و باعث روسیاهی شان می شود؛ دوم اینکه ویژگی نظام اسلامی و الهی این است که حرکت و موفقیت اش فقط با تقوا امکانپذیر است (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۵/۲۳).

علاوه بر بهره مندی صحیح و کافی از ایمان و تقوا، تزکیه ی نفس نیز برای مسئولان ضرورت دارد؛ زیرا سران یک حکومت و کارگزاران اش بیشتر از بقیه در معرض خطا و اشتباه هستند و اگر تزکیه ی نفس نداشته باشند، طغیان و سرکشی می کنند و محدوده ی ظلم و فساد آنها بسیار گسترده است؛ حتی ممکن است یک منطقه و جهانی را در بر بگیرد. این درحالی است که عدم تزکیه ی نفس مردم عادی و خودخواهی آنها ممکن است گستره ی محدودی را به فساد بکشاند. اگر مقام های یک کشور و نظام سیاسی مهذب شده و به خودسازی پرداخته باشند، در کشور آرامش برقرار می شود و این آرامش هم برای مردم کشور و هم برای کشورهای اطراف آن سودمند است؛ چراکه تزکیه ی نفس باعث می شود خودخواهی ها، خودبینی ها، ریاست طلبی ها، دنیاطلبی ها و ظلم و غیره از بین برود و به جای همه ی اینها خدای متعال و رضایت او قرار گیرد (سعادت مند، ۱۳۸۲: ۱۰۷). در واقع، نوسازی معنوی نظام اسلامی و ملت مسلمان در گرو این مجاهدت بزرگ، یعنی تزکیه ی نفس مسئولان، مدیران و کارگزاران نظام و سپس مردم و جامعه است و اگر سران کشور و مسئولان اصلاح شوند، جامعه نیز اصلاح خواهد شد (بیانات

رهبری، ۱۳۶۷/۹/۷). ایجاد مشکل برای مردم، ایجاد اختلاف، طغیان و سرکشی، هلاکت در دنیا و آخرت، برخی از خطرهای عدم تهذیب نفس مسئولان است (ذاکری، ۱۳۸۴: ۳۱) بنابراین، اولین و مهمترین شاخص فردی و شخصی مسئولان و کارگزاران، داشتن تزکیه، تقوا و ایمان است که در نتیجه ی آنها، افراد خودساخته ای بر سر کار خواهند آمد که به نفع و صلاح نظام و مردم کار خواهند کرد، نه به ضرر آن‌ها؛ و نیز رضای خدای متعال جلب خواهد شد.

۲ - خودباوری و اعتماد به نفس

مسئولان باید به توانایی های خود و کشور باور داشته و در کارشان محکم و استوار باشند. عدم اعتماد به نفس در کارها و گم کردن خود، اولاً باعث تزلزل در تصمیم گیریها می شود و کارها را با شکست روبه رو می کند و کشور و جامعه را دچار عقب ماندگی می سازد؛ ثانیاً سبب سلطه ی اجانب می شود، زیرا فکر می کنند که توان مقابله با ابرقدرتها را ندارد و بدون آنها نمی توان به پیشرفتی دست یافت. در واقع، اعتماد به نفس مدیران، یک ارزش اساسی و پایه ی اصلی در نظام سیاسی مطلوب است و باعث سازندگی، آبادانی و پیشرفت کشور می شود و عدم اعتماد به نفس آنها سبب می شود که از برنامه هایی که هر کشوری برای پیشرفت لازم دارد، غافل شوند و یا به دلیل سستی اراده از اجرای این برنامه ها منصرف شوند (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱ و ۱۳۷۵/۰۶/۰۸).

۳ - صبر و استقامت

با توجه به روایات، صبر سه گونه است: صبر بر طاعت، صبر از معصیت، صبر در مصیبت. این سه گونه صبر، شخصی است و مسئولان باید در برابر حفظ آرمان ها، اهداف و ارزشهای اسلامی صبر و مقاومت بیشتری داشته باشند و بر آن پایداری و پافشاری کنند؛ زیرا آثار و تبعات بی صبری مسئولان دامن گیر همه ی مردم می شود و در عرصه ی عمومی، ملی و همگانی اثر می گذارد. اما با صبر و استقامت در کارها است که می توان بر مشکلات داخلی و دشمنان خارجی پیروز شد و به پیشرفت در عرصه های گوناگون دست یافت. صبر و استقامت مسئولان نظام اسلامی آثار و پیامدهای مثبتی برای نظام سیاسی و مردم دارد. از جمله ی این آثار عبارت است از: (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱ و ۱۳۷۵/۰۶/۰۸).

- ✓ عمل به دستور خدا و قرآن کریم و نیز عمل به سیره ی پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع).
- ✓ غلبه بر مشکلات و سختیها و برطرف شدن موانع
- ✓ امید بخشیدن به مردم و محرومان و زیاد شدن شجاعت و قدرت مردم
- ✓ علاقمندی مردم به مدیران و نظام سیاسی
- ✓ تحقق یافتن نظام سیاسی اسلامی و ایجاد کشور اسلامی
- ✓ ایجاد عزت، قدرت، رفاه و عظمت برای مردم و کشور
- ✓ دستیابی کشور به پیشرفت همه جانبه
- ✓ الگو و اسوه شدن برای مسلمانان عالم

به این ترتیب، امام خامنه ای برای مسئولان و کارگزاران یک نظام سیاسی مطلوب، بر سه شاخص فردی، یعنی داشتن تزکیه، تقوا و ایمان؛ خودباوری و اعتماد به نفس؛ و صبر و استقامت تأکید کرده اند. در ادامه به شاخص های مدیریتی و اجتماعی ای مسئولان پرداخته می شود.

• شاخصهای مدیریتی مسئولان و کارگزاران

۱ - ساده زیستی، پرهیز از تجملات و مردمی بودن

تجمل گرایی و اشرافی گری، مترادف با مصرف زدگی، اسراف و تبذیر است که حرام و از گناهان کبیره محسوب می شود و علاوه بر وارد ساختن آسیب جدی به روابط مردم، حکومت و مسئولان و نیز رواج فرهنگ مصرف گرایی و تجملاتی در جامعه، اقتصاد و نظام مالی کشور اسلامی را با خطر فساد و رانت خواری و انباشت ثروت در دست قدرتمندان و ایجاد فاصله ی طبقاتی در جامعه، بیکاری، تورم و فقر بحران زا روبه رو می کند (واحد تحقیقات قدر ولایت، ۱۳۸۲: ۱۸۸) تجمل گرایی و زندگی مرفهانه مسئولان خطرناک و ضررهای بسیاری دارد.

از جمله: ۱. شکست اسلام و نظام اسلامی؛ ۲. مطرود شدن از طرف مردم و عدم اعتماد مردم به مسئولان؛ ۳. دور شدن از ارزشهای معنوی و معنویت؛ ۴. به خطر افتادن دنیا و آخرت مسئولان؛ ۵. از بین رفتن آبروی مسئولان در جامعه؛ ۶. تن به ذلت دادن و تسلیم شدن در برابر دشمنان و ابرقدرتها؛ ۷. تأمین نشدن عدالت اجتماعی؛ ۸. عدم ایجاد روحیه ی برادری، الفت، انس و همدلی در کشور؛ ۹. برطرف نشدن مشکلات اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی کشور؛ ۱۰. تضییع سرمایه و

اموال بیت المال و تزییع حقوق مردم؛ ۱۱. ایجاد بی انضباطی اقتصادی و مالی؛ ۱۲. تزییع نعمت های الهی و نشناختن قدر نعمت های خداوند و در نتیجه، به دام گناه و اسراف گرفتار شدن ۱۳. شکل گیری فرهنگ اسراف و تجمل گرایی؛ ۱۴. عمیق تر شدن شکاف های طبقاتی بین فقیر و غنی (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۵).

از طرف دیگر، ساده زیستی و مردمی بودن مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی، آثار مثبت و مطلوب بسیاری دارد که عبارت است از: ۱. آرامش قلبی و روحی و آسودگی وجدان مسئولان؛ ۲. ایجاد تحول همه جانبه و پیشرفت نظام سیاسی؛ ۳. دستیابی به پیروزی در برابر دشمنان و ابرقدرتها؛ ۴. انجام سریعتر کارها و برنامه ها؛ ۵. شکل گیری انضباط اقتصادی و مالی و حل شدن مشکلات اقتصادی مردم و کشور؛ ۶. دستیابی به رضایت خدای متعال؛ ۷. کسب پشتیبانی و اعتماد مردم (بیانات رهبری، ۱۳۷۳/۱۲/۲۹).

۲ - انتقاد پذیری

انتقاد، به معنای عیب جوئی نیست، بلکه نقد به معنای عیارسنجی است؛ یعنی «یک چیز خوب را آدم ببیند که خوب است، یک چیز بد را ببیند که بد است. اگر این شد، آن وقت نقاط خوب را که دید، با نقاط بد جمع بندی می کند» انتقاد، مصداق بارز فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر است؛ پس باید سالم، سازنده و درست و نیز از روی برادری و مصلحت گویی باشد. وضعیت زبان هم باید به صورت نصیحت منصفانه و مشفقانه و پند و اندرز باشد تا سبب راهنمایی دولت در کارها و امور شود و برای پیشرفت و سازندگی کشور نیز مؤثر و مفید باشد؛ چراکه در غیر این صورت، سبب ناامیدی مردم و تضعیف و یا حتی تخریب نظام سیاسی می شود. انتقاد به جا و سازنده و مطرح شدن اشکال ها باعث روشن شدن عیوب و اشکالات و رشد جامعه و هدایت جریانهای موجود در جامعه و تقویت نظام می شود و راه را برای سعادت جامعه باز می کند (بیانات رهبری، ۱۳۸۱/۰۴/۰۵).

۳ - مبارزه با فساد

بیشترین نوع فساد که گریبان گیر یک نظام سیاسی اسلامی است، فساد اقتصادی و مالی و فساد اخلاقی و منکرات است که مبارزه با هر دو جریان با توجه به معیارهای اسلامی، از تکالیف و وظایف اصلی و مهم مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی و جزء تعالیم اسلام و نیز یکی از شاخص های برجسته ی رفتار و سیره علوی است؛ به طوری که حتی مشروعیت مدیران در گروه مبارزه شان با فساد و رواج عدالت در جامعه است. فساد اقتصادی، مالی و اداری جزء بدترین نوع فساد است که مبارزه با آن، لازمه ی اصلاح نظام و پیشرفت و آبادانی کشور است و نیز سبب گشایش اقتصادی، بهبود معشیت مردم، تأمین شدن امنیت کشور و عزت بین المللی می شود. البته مدیران و مسئولان باید در سیاستگذاری و برنامه ریزی های خود نسبت به جریان فساد اخلاقی و منکرات، به ویژه نوع سازمان یافته ی آن حساسیت داشته باشند و اقدامات لازم را به عمل آورند (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۱۲/۱۲).

۴- رعایت عدالت اجتماعی، فقرزدایی و کمک به محرومان و مستضعفان

اسلام برای جلوگیری از تبعیض ها، ستم ها و تجاوز به حقوق دیگران برای تمام مسئولان، دست اندرکاران و نقش آفرینان، شاخص عدالت و توجه به محرومان را شرط اساسی دانسته است و ظلمها، بیدادگری ها، خیانت ها و ستم ها را ناشی از نبود عدالت در جامعه و بی توجهی به مستضعفان میدانند (ذاکری، ۱۳۸۴: ۳۶) زمانی می توان گفت یک نظام سیاسی مطلوب و متعالی است که در جامعه ی آن، عدالت اجتماعی برقرار باشد. البته عدالت به معنای یکسان بودن همه ی برخورداری ها نیست؛ بلکه به معنای یکسان بودن فرصتها و حقوق است. همه ی مردم باید بتوانند از فرصتهای حرکت و پیشرفت بهره مند باشند. به هر مقدار که مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی، شکاف های طبقاتی را از بین نبرند و عدالت اجتماعی به معنای حقیقی در کشور رعایت نشود، سبب عقب ماندگی خواهد شد و کشور به پیشرفت، شکوفایی و تعالی نخواهد رسید؛ بنابراین، بزرگترین مسئولیت مدیران و کارگزاران نظام سیاسی، تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی و پرکردن شکاف طبقاتی است که جزء اهداف و ارزش بالای اسلام است (بیانات رهبری، ۱۳۸۴/۰۲/۱۱ و ۱۳۸۵/۰۸/۲۰ و ۱۳۸۲/۰۷/۲۲).

۵ - حفظ وحدت و دوری از تفرقه و اختلاف

رمز حفظ نظام سیاسی اسلامی و مصالح آن، در گرو وحدت ملت و دوری از اختلافها و تفرقه است. بنابراین، حفظ وحدت و پرهیز از تشنج از اوجب واجبات برای مسئولان و کارگزاران است؛ زیرا «اگر کشور بخواهد به سمتی که برای آن مطلوب است - چه از لحاظ اقتصادی، چه از لحاظ سیاسی، چه از لحاظ معنوی یا سطح علم و سواد - پیشرفت بکند، به محیط آرام و بی تشنج احتیاج دارد البته نمی توان منکر شد که اختلاف سلیقه و اختلاف رأی و نظر در بین مدیران و مسئولان نظام وجود دارد، ولی نباید سبب دشمنی و اختلاف بین آنها شود بلکه آنان باید با یکدیگر با محبت رفتار کنند و با چشم برادری به هم بنگرند و در برابر مشکلات پشتیبان هم باشند با رعایت این شاخص، شامل رحمت الهی خواهند شد؛ چراکه خداوند فرموده است: «ید الله مع الجماعة». اما در صورت صدمه زدن به وحدت، گرفتار معصیت و گناه خواهند شد. در واقع «همدلی، همفکری و همکاری» و خلاصه اینکه اتحاد و وحدت بین مسئولان و کارگزاران در نظام سیاسی، شرط پیشرفت کار و زمینه ساز مطلوب بودن آن نظام خواهد بود و دشمنان را ناامید خواهد کرد (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۸/۲۴).

ج) شاخصهای مردم در نظام سیاسی مطلوب

مردم، مهمترین پایه و راسخ ترین عمود یک نظام سیاسی هستند که جایگاه والا و مهمی در نظر اندیشمندان اسلامی دارند. از دیدگاه امام خامنه‌ای، مردم چهار شاخص اصلی در نظام سیاسی مطلوب دارند که عبارتند از: «آگاهی، نظارت، مشارکت و هم‌گامی» که در این میان، سه شاخص: نظارت، مشارکت و هم‌گامی به صورت تکلیف و وظیفه‌ی شرعی بر آنها واجب است. هرچند ایشان به شاخصه‌ی دیگری مانند: داشتن ایمان و تقوا، اعتماد به مسئولان و کارگزاران نظام، پشتیبانی از کشور و نظام، امید به آینده و داشتن نشاط و غیره برای مردم اشاره کرده‌اند، اما چهار شاخص اصلی که بیان شد، عام و عمومی است و همه‌ی اینها را در بر می‌گیرد. در ادامه، این چهار شاخص توضیح داده می‌شوند:

۱ - آگاهی، هوشیاری و بصیرت داشتن

اولین شاخص مردم در یک نظام سیاسی مطلوب، آگاهی، هوشیاری و بصیرت داشتن آنان است. زیرا با وجود این شاخص است که مردم می توانند اقدامات درستی انجام دهند؛ مشارکت سیاسی داشته باشند؛ نظارت و پیگیری کنند و با حکومت همگامی کنند. در واقع، اگر مردم آگاه، هوشیار و با بصیرت باشند، بقیه ی راهها و کارها را خود با دارا بودن قوه ی عقل و اختیار طی خواهند کرد؛ اما اگر به آگاهی نرسند و بصیرت نداشته باشند، طی راه برای آنها مشکل و یا شاید غیرممکن خواهد شد. زیرا حرکت در درون تاریکی برای آنها مقدور نیست، بلکه باید نوری بتابد تا جلوی پای خود را ببینند و بتوانند به پیش حرکت کنند (جمشیدی، ۱۳۸۷: ۱۳۹۴-۱۳۹۳). اولین اثر آگاهی و بصیرت مردم این است که امنیت جامعه و نظام سیاسی حفظ شده و آرامش و نظم حکم فرما خواهد شد؛ چرا که انسان آگاه و با بصیرت، صلاح و فساد خود را به وسیله ی بصیرت می فهمد و همواره با چشمانی باز و بیدار به دشمنان می نگرد و مراقب است که دستخوش توطئه ها، فریب ها و حيله های دشمنان نشود و با هوشیاری کامل، جواب همپی فتنه ها را می دهد؛ پس آسیب ناپذیر خواهند بود. چنین مردم با بصیرتی همیشه پشتیبان دولت، مجلس و دیگر ارگانهای نظام سیاسی است و با هوشیاری و بیداری خود از تفرقه ها به کلی پرهیز می کند؛ چرا که با بصیرت خویش می داند که تفرقه سبب می شود تا کشورش نتواند به رشدی که باید و شایسته آن است، دست یابد. (بیانات رهبر، ۱۳۸۸/۰۳/۲۶) با وجود چنین شاخصی است که می توان به مردم لقب «مردم هوشمند و زمانشناس» داد.

۲ - مشارکت و حضور در صحنه های گوناگون کشور

به نظر امام خامنه ای، صرف حضور مردم در انتخابات و مشارکت شان بسیار مهم و با اهمیت است و حتی از انتخاب فرد اصلاح هم مهمتر است (هرچند انتخاب اصلح هم بسیار اهمیت دارد)؛ چراکه حضور و مشارکت مردم نشانگر همبستگی ملی آنهاست و این سبب صیانت و حفظ نظام سیاسی می شود. برخی از آثار و برکت های مشارکت عمومی و حضور مردم در عرصه های گوناگون کشور، به ویژه عرصه ی سیاسی و انتخابات عبارت است از: ۱. مشروعیت بخشی به نظام سیاسی اسلامی؛ ۲. تحقق یافتن مردمسالاری دینی و اسلامی؛ ۳. افزایش خودآگاهی و همبستگی ملی؛ ۴. تعالی، بالندگی و نشاط کشور؛ ۵. تأمین امنیت، صیانت و حفظ کشور؛ ۶.

فراهم شدن عزت، اقتدار، سربلندی و آبروی نظام سیاسی؛ ۷. خنثی سازی توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان و مایوس شدن آنان؛ ۸. امیدوار شدن مسئولان و کارگزاران نظام سیاسی؛ ۹. پایداری، حفظ و استحکام اصل و ارکان نظام سیاسی اسلامی (حدیث ولایت، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۲۶ و ۱۳۰).

۳- نظارت

از دیدگاه امام خامنه‌ای مردم و قشرهای مختلف، علاوه بر داشتن بصیرت و آگاهی و حضور فعال در صحنه‌های سیاسی گوناگون جامعه و مشارکت سیاسی در تعیین آینده و سرنوشت کشورشان، باید بر عملکرد دولتمردان و مسئولان امر نیز نظارت داشته باشند تا بتوان به نظام سیاسی مطلوب دست یافت. حق نظارت، خواستن و پیگیری کردن، جزو شروط لازم مردم در نظام سیاسی مطلوب است. مردم باید در همه‌ی امور و شئون کشور نظارت کنند و این امر، یک تکلیف شرعی الهی و تعهد ملی است و بر همه‌ی مردم واجب است و متخلف از آن، مخالف خداوند متعال و اوامر او و خائن به کشور و نظام سیاسی اسلامی محسوب می‌شود. علت تأکید ایشان بر نظارت عمومی مردم این است که دشمنان و شیاطین نتوانند در کشور رخنه کنند و امنیت کشور به خطر نیفتد؛ زیرا با نظارت مردم بر کارهای مسئولان و دست‌اندرکاران کشور، رعایت قوانین توسط آنها بهتر و دقیق‌تر صورت خواهد گرفت. در این صورت، هم امنیت کشور و هم منافع عمومی ملت حفظ می‌شود و نیز نظام سیاسی به معنای واقعی مترقی خواهد شد (بیانات رهبری ۱۳۸۵/۰۸/۲۰).

نکته‌ی قابل توجه، روش نظارت مردمی است که می‌تواند در قالب امر به معروف و نهی از منکر صورت گیرد. این روش، خاص و ویژه‌ی نظام سیاسی اسلامی است و خیر و صلاح و منافع بشری را در بردارد. آثار و برکتهای چنین نظارتی عبارت است از: ۱. اگر مسئول و مدیری اشتباه کرد، مردم با نظارت خود با او مقابله می‌کنند و جلوی اشتباه او را می‌گیرند؛ ۲. مردم بر روند انتخابات و صندوق‌ها و آراء نظارت می‌کنند تا در آن تخلفی صورت نگیرد و انتخابات سالم برگزار شود؛ ۳. نظارت مردم سبب عدم نفوذ دشمنان در کشور می‌شود؛ ۴. نظارت عمومی مردم باعث پیشرفت و بالندگی نظام سیاسی و کشور اسلامی به معنای واقعی کلمه می‌شود؛ ۵. با نظارت مردم، کشور اسلامی و نیز مسئولان و مدیران و کارگزاران اصلاح می‌شوند؛ ۶. نظارت

عمومی سبب حفظ بیت المال و هدر رفتن اموال ملت می شود؛ ۷. نظارت مردم بر مسئولان باعث حفظ اسلام و نظام سیاسی می شود (بیانات رهبری ۱۳۸۵/۰۸/۲۰).

به این ترتیب، حوزه ی نظارت مردم را می توان به چند بخش تقسیم کرد که عبارت است از: ۱. نظارت مردم بر اسلامی بودن نظام سیاسی و زیربخشهای آن؛ ۲. نظارت مردم بر مسئولان، مدیران و کارگزاران نظام سیاسی؛ ۳. نظارت مردم بر روند انتخابات و حضور در پای صندوقهای رأی؛ ۴. نظارت مردم بر کار اصناف و احزاب گوناگون در جامعه؛ ۵. نظارت مردم بر خود.

۴- همگامی و اتحاد

اساس یک کشور با اتحاد و همگامی مردمش حفظ می شود. علت اینکه دشمنان اسلام و بسیاری از قدرتها با نظام سیاسی اسلامی مخالف هستند، این است که با اتحاد و همگامی مردم و اعتماد و پشتیبانی آنها از نظام سیاسی، هیچگاه کشور شکست نمی خورد و تحت هیچ بیرقی قرار نمی گیرد، مگر زیر پرچم اسلام و نظام اسلامی. در نتیجه، امنیت آن نظام و جامعه تضمین خواهد شد. همگامی و همدلی مردم با نظام سیاسی و اتحاد آنها، علاوه بر آنکه نعمت بزرگ خداوند و یک فریضه است، آثاری همچون اعتماد مردم به مسئولان، برطرف شدن مشکلات، برملا شدن توطئه های دشمنان و حاصل شدن کشوری نمونه، آباد و پیشرفته را به همراه دارد که شایسته ی این چنین ملتی است (بیانات رهبری ۱۳۸۵/۰۸/۲۰).

نتیجه گیری

نظام سیاسی مطلوب در منظومه فکری امام خامنه ای، نظامی است که بر اساس مبانی الهی و اسلامی تأسیس شده باشد و در آن معنویت و مادیت جامعه و افراد، توأمان با هم در نظر گرفته شود که ایشان از آن نظام به عنوان نظام ولایی یاد می کند. به نظر ایشان، نظام سیاسی ای مطلوب و مشروع است که اسلامی و از نوع شیعی و ولایت فقیه ی باشد که با رعایت شاخص هایی با معیار اصلی ایمان و تقوا توسط ارکان این نظام سیاسی، شامل رهبر و حاکم (ولی فقیه) مسئولان و کارگزاران (سران سه قوه و اعضاء، کارکنان و زیرمجموعه های آنها) و مردم به بالندگی و رشد و تعالی خواهد رسید. به اعتقاد ایشان، مهمترین شاخص های رهبر و حاکم در نظام سیاسی

مطلوب بر اساس است؛ «داشتن علم فقهت و اجتهاد، صفت عدالت و تقوا و درایت»، مکتب سیاسی اسلام زیرا علم فقهت، آگاهی می آورد و بر اساس آن، حاکم می تواند احکام الهی را اجرا کند و حافظ این احکام باشد. صفت عدالت و تقوا، شجاعت می آورد؛ در این صورت، برای اداره ی امور جامعه و مردم، مصالح و منافع آنان را در نظر گرفته و تابع هوی و هوس و امیال شخصی نخواهد بود و حتی خطاهای جامعه اصلاح خواهد شد و جامعه سالم شکل خواهد گرفت. شاخص درایت و توان مدیریتی حاکم اسلامی موجب تأمین مصالح کشور و ملت خواهد شد؛ زیرا با این ویژگی می تواند مصلحت امت و ملت را به درستی تشخیص دهد؛ به موقع تصمیم بگیرد؛ اقدامات لازم را انجام دهد و از مشکلات بزرگ و کوچک گره گشایی کند. بدون این صفت، هیچ حاکمی شایسته ی رهبری جامعه ی اسلامی نیست. وجود این سه شاخص اصلی برای رهبر و زمامدار جامعه ی اسلامی به قدری مهم است و اهمیت دارد که بسیاری از اندیشمندان اسلامی، علت اساسی انحطاط، جمود، تفرقه و عقب ماندگی ملت و کشور اسلامی را نبود فقیه عادل، مدبر و باکفایت دانسته اند. رهبر انقلاب اسلامی، دو دسته شاخص شخصی (فردی) و اجتماعی (مدیریتی) برای مسئولان و کارگزاران برشمرده اند؛ چرا که ایشان برای پیشرفت نظام سیاسی فقط حال اجتماعی افراد و کارگزاران نظام را در نظر نداشته اند، بلکه بر این اعتقادند که افراد تا خود به تعالی و پیشرفت اخلاقی و فردی نرسیده باشند، نمی توانند در سطح مدیریت اجتماع و نظام، اقداماتی برای رشد و بالندگی جامعه انجام دهند. به نظر ایشان، ایمان، تقوا و تزکیه، اعتماد به نفس و صبر و استقامت، جزء مهمترین شاخصها و ویژگیهای فردی و شخصی کارگزاران و مسئولان نظام سیاسی مطلوب است. دلیل برگزیدن این شاخصها و اولویت آنها این است که سران یک حکومت و کارگزارانش بیشتر در برابر خطا و اشتباه هستند و اگر ایمان، تقوا و تزکیه ی نفس نداشته باشند، ممکن است به مرور زمان، طغیان و سرکشی کنند و کار خلاف و معصیتی انجام دهند. در این صورت، به فساد کشیده می شوند و محدوده ی ظلم و فساد آنها بسیار گسترده است و حتی ممکن است یک منطقه و جهانی را در برگیرد و نیز مردم را نسبت به دین و نظام اسلامی بدبین کنند. شاخص های مهم مدیریتی و اجتماعی که به نظر امام خامنه ای، رعایت آنها برای یک مسئول لازم، واجب و تکلیف و وظیفه ای الهی است: خدمتگزار واقعی مردم بودن، ساده زیستی، انتقادپذیری، مبارزه با فساد، پاسخگو بودن، حفظ

وحدت، فقرزدایی و رعایت عدالت اجتماعی است. با رعایت آنها، هم نظام سیاسی حفظ و بالنده می شود و هم مردم و بالاتر از آن، خدای متعال از مسئولان راضی و خرسند خواهند بود. از دیدگاه امام خامنه ای، مردم ضلع سوم از مثلث نظام سیاسی هستند که مشروعیت و مقبولیت نظام وابسته به پذیرش مردم و مردمی بودن آن است. ایشان چهار شاخص اصلی و مهم: «آگاهی، مشارکت، نظارت و همگامی» را برای مردم برمی شمرد که وجود آنها لازمه ی نظام سیاسی مطلوب است. با وجود چنین شاخصه ایی در مردم، امنیت و پیشرفت کشور و نظام تضمین می شود.



قرآن کریم

احیا حسینی، غلام (۱۳۸۹)، «ویژگی‌های حکومت اسلامی و مسئولان آن در کلام امام خمینی (ره)»
همایش ملی بررسی اندیشه‌های فرهنگی اجتماعی حضرت امام خمینی (ره)، جهاد دانشگاهی
واحد البرز.

جاویدی، رقیه و ، بهروزی لک غلامرضا (۱۳۹۵)، «شاخصهای نظام سیاسی مطلوب از دیدگاه امام
خمینی (ره) و آیت الله خامنه‌ای»، **فصلنامه سیاست متعالیه**، سال چهارم، شماره سیزدهم، صص، ۱۰۲-۱۰۳

۸۳

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۷۸)، **ویژگیهای حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره)**
فصلنامه حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۷۱-۲۰۶.

حجازی فر، سعید؛ رهنورد، فرج اله؛ لطیفی، میثم؛ طاهرپور کلانتری، حبیب‌اله (۱۳۹۵)، «بررسی
مطالعات حاکمیت اسلامی در ایران با استفاده از روش فراترکیب»، **فصلنامه مدیریت سازمان‌های
دولتی**، دوره ۶، شماره اول، صص ۸۲-۶۳.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۰)، **روح توحید و نفی عبودیت غیر خدا**، مؤسسه انجام
کتاب.

حسینی خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۰)، **درست فهمیدن اسلام**، گفتار ۸، حزب جمهوری اسلامی.
خسرو پناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهندگان (۱۳۹۶)، **منظومه فکری آیت الله خامنه‌ای**،
تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

دفتر مقام معظم رهبری (۱۳۷۵)، **حدیث ولایت: مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری**.
تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

ذاکری، علی اکبر (۱۳۸۴)، **اخلاق مسئولان نظام اسلامی**. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج
(وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)).

رجالی تهرانی، علیرضا (۱۳۸۹)، **ولایت فقیه در عصر غیبت**، قم: انتشارات نبوغ، چاپ دوم.

سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در **عید غدیر** ۲۰ / ۱۳۶۹/۴

سخنرانی آیت الله خامنه‌ای در **عید غدیر** ۶ / ۱۳۷۶/۲

سعادت‌مند، رسول (۱۳۸۲)، **وظایف مسئولین، شوراها و انجمن‌های اسلامی از دیدگاه**

امام خمینی (ره)، قم: تسنیم.

ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۸)، **حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)**، تهران: دفتر گسترش تولید علم دانشگاه آزاد اسلامی.

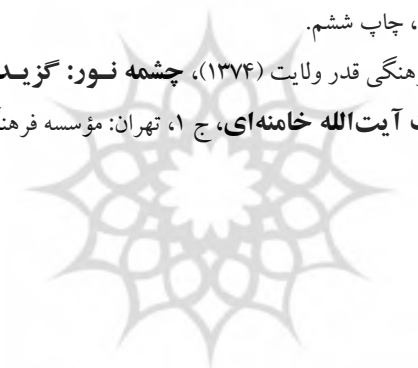
ضمیری، عبدالحسین (۱۳۸۷)، «حکمرانی مطلوب در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، **فصلنامه اقتصاد اسلامی**، نهم سال، شماره ۳۶، صص ۲۰۸-۱۷۹.

علویان، مرتضی؛ زارع پور، محمد (۱۳۹۶)، «شاخص‌های حکمرانی خوب در اندیشه سیاسی آیت‌الله جوادی آملی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاست اسلامی**، سال پنجم، شماره یازدهم، صص ۶۰-۳۷.

قرائتی، محسن (بیتا)، **درس‌هایی از قرآن، عدالت اجتماعی**، قم: مؤسسه در راه حق.
لک زایی، نجف (۱۳۸۹)، **چالش سیاست دینی و نظم سلطانی**، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۷)، **مبانی و پیش‌فرض‌های حکومت دینی و ولایت فقیه**، قم: مؤسسه فرهنگی فجر ولایت، چاپ ششم.

واحد تحقیقات مؤسسه فرهنگی قدر ولایت (۱۳۷۴)، **چشمه نور: گزیده‌ای از رهنمودهای مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای**، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی